

بررسی نقش تحولات سیاسی - مدیریتی (حکومت قاجار و پهلوی) در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران

سعید آزادی

کارشناسی ارشد علوم سیاسی، شهرداری خرم‌آباد

چکیده

در این تحقیق به بررسی نقش تحولات سیاسی - مدیریتی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران پرداخته شده است، تغییراتی که در این ساختار انجام شده در فضاهای شهری نمود یافته است. یکی از کارکردهای مدیریت شهری، سیاست‌گذاری شهری است. سیاست‌ها عبارتند از مجموعه تصمیماتی که از سوی نظام مدیریت برای هموارسازی اجرای راهبرد و در راه حصول به اهداف کمی اتخاذ می‌شود. تاثیر این تحولات و تصمیمات سیاسی در تمامی ادوار تاریخی خود را نشان داده است و در طی ۱۵۰ سال اخیر نمایش بیشتری داشته و تغییرات فیزیکی و فرهنگی بیشتری اعمال شده است.

واژه‌های کلیدی: تحولات سیاسی، مدیریت شهری، قوانین و مقررات، برنامه‌ریزی شهری.

۱- مقدمه

نوع سیستم حکومت شهری، شکل دهنده ارتباط عناصر مدیریت برنامه‌ریزی شهری است. هرچند درجه وابستگی سیستم به حکومت مرکزی بیشتر از نوع ارتباط عناصر مدیریت و برنامه‌ریزی شهری سطحی، غیرواقعی و نمادین است، درحالی‌که هر اندازه سیستم حکومت شهری از درجه وابستگی کمتری نسبت به حکومت مرکزی برخوردار باشد درصدد طراحی مکانیزم‌های واقعی ارتباط بین عناصر مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است (<https://www.shahrsazionline.com>).

یکی از حوزه‌های مهم در سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری شهری است (ملک محمدی، ۱۳۸۶: ۲۸۹). دانش سیاست‌گذاری عمومی و شاخه سیاست‌گذاری شهری آن این امکان را پیش روی سیاستگذاران قرار می‌دهد که نسبت به نقشه سیاست‌گذاری شهرها و شبکه سیاست‌گذاری در شهرها آگاهی یابند. نقشه سیاست‌گذاری شهرها طرحی از سازمان‌هایی را که درگیر تصمیم‌گیری در سیاست‌های شهری یا تأثیرگذار بر تصمیم‌های مرتبط با سیاست‌های شهری هستند، پیش رو می‌گذارد.

بیشتر مطالعات انجام شده تاکنون به سیاست‌گذاری عمومی پرداخته‌اند و اندیشمندانی که قصد مطالعه سیاست شهری را داشته‌اند، لاجرم به حوزه علوم سیاسی و مطالعه قدرت و یا بررسی نحوه فعالیت و تأثیرگذاری ذی‌نفعان مختلف در سیاست‌گذاری در شهرها پرداخته‌اند؛ زیرا در ابتدا سیاست شهری در قالب سیاست‌های عمومی دولت رفاه در جهت کاهش فقر در نواحی شهری بوده است؛ اما پس از آن ایده مطرح شد که سیاست شهری به دنبال جواب مجموعه‌ای از سوالات است. سؤالاتی نظیر اینکه چرا مجموعه خاصی از مسایل شهری در یک برهه زمانی مدنظر سیاستگذاران شهری قرار می‌گیرد؟ کدام گروه‌ها در سیاست‌گذاری شهری مداخله می‌کنند؟ منافع آنها چیست و چگونه به این منافع دست می‌یابند؟ و نحوه تعاملات این افراد چگونه است؟ (کاظمیان و میرعابدینی، ۱۳۹۰: ۳۰)

اکثر تفسیرها نسبت به فرآیند تغییرات شهری، با تحلیل از یک عامل منحصر به فرد آغاز شده و سپس تلاش می‌شود به جای پرداختن به عوامل ریشه‌ای، نتایج به دست آمده تعمیم داده شود. نتیجه این مسیر این است که اکثر نظریه‌ها در مورد تغییرات شهری یک بینش حزبی و بخشی به یک فرآیند پیچیده را ارائه می‌کند. از جمله تحقیقاتی که قرابت موضوعی با عنوان تحقیق دارند می‌توان به مواردی از قبیل زیر اشاره نمود:

احمدیان (۱۳۸۳) تأثیر دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی ایران در شکل‌گیری نظام برنامه‌ریزی شهری ایران (از عصر

مشروطیت تا برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران) را مورد بررسی قرار دادند.

طالبی و عنبری (۱۳۸۵) دلایل ناکامی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم را مورد مطالعه قرار دادند در مقاله خود بیان داشتند، تجربه نظام برنامه‌ریزی در عصر پهلوی دوم نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی دولتی توسعه به دلایل مختلف اجتماعی و سازمانی، پیامدی جز نابسامانی و ایجاد تضادهای چندگانه در لایه‌های زندگی اجتماعی مردم نداشته است. سامان برنامه‌ریزی در کشور بیش از آنکه مترصد توسعه باشد، عاملی برای کنترل آن و تحکیم نفوذ دولت در چرخه اقتصاد، سیاست و فرهنگ بوده است. نظام برنامه‌ریزی که از منظر نظام جهانی در راستای وابستگی و توسعه سراسیمه طراحی و تنظیم شده است، در ایران بر دیکتاتوری دولت و دوگانگی ساختاری در بخش‌های مختلف جامعه افزود.

رهنمایی (۱۳۸۸) دولت و شهرنشینی در ایران با رویکرد تحلیل مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران مطالعه نمودند، عد از دهه ۱۳۴۰ یا ۱۹۶۰ دولت از موقعیت کارگزاری به موقعیت کارفرمایی بزرگ و کلانی در کشور رسید. از آنجایی که شهرها پایگاه اصلی حکومت و دولت جدید بودند، این دولت با بهره‌گیری از منابع

درآمدهای نفتی تزریق اعتبارات عمرانی و جاری در شهرها، عملاً در توسعه شهر و شهرنشینی به دخالت گسترده ای پرداخت. بر اساس نظریه دولت و شهرنشینی در ایران، اینک این دولت است که با تجاری کردن پول و سرمایه در شهرها، از طریق نظام بانکی گسترده ای که در اختیار دارد، به توسعه شهر و شهرنشینی کمک می کند.

شالی (۱۳۹۰) ضرورت دگرگونی نظریه برنامه ریزی توسعه ایران را مطرح نمودند، نتیجه پژوهش ایشان نشان داد؛ ریشه همه مشکلات جامعه و نظام برنامه ریزی ایران را باید در مدیریت متمرکز دولتی، برنامه ریزی با رویه های محافظه کارانه و تکنوکراتیک در قلمروی دیوان سالارانه از بالا به پایین، بی توجهی به نقش گروه های ذینفع به ویژه شهروندان در فرایند برنامه ریزی توسعه، شکاف بینت صمیم و اجرا، فن گرا و تخصص محور بودن پیشنهادهای برنامه ریزان دانست. امروزه تحولات جامعه ایران از یکسو و شاخصهای اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و زیست محیطی همگی دال بر به بن بست رسیدن الگوهای زورمندمداریانند. مشارکت فراگیر گروه های ذینفع و شهروندان، تصمیم گیری مردم سالارانه، قانونمند، شفاف و پاسخگو به اجتماعات محلی و حرکت به سمت نظریه یادگیری اجتماعی ضروری است.

ایزدفر و همکاران (۱۳۹۸) مقاله ای با عنوان تغییر ساختار حکومتی در ایران و تاثیر آن در سیمای شهری اصفهان در دوره قاجار و پهلوی تدوین نمودند و عنوان داشتند که دوره قاجار که شروع تحول شیوه های تولید پیش سرمایه داری است به عنوان مرحله گذار و حلقه اتصال سیر تکامل شهر در ایران در گذشته و حال به شمار می آید. انقلاب مشروطیت نیز به عنوان بزرگ ترین رخداد سیاسی- اجتماعی ایران نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی شهر و شهرنشینی ایران می باشد که تاثیرات بسیاری را بر نوع روابط و چهره شهرهای ایران گذاشت و در زمان پهلوی اول تغییرات بارزی را شاهد هستیم.

یافته های تحقیق

- نحوه دخالت دولت در برنامه ریزی شهری

حضور نظام سیاسی متمرکز در اداره ی امور شهرها نیز خصلتی امرانه و تحکمی داشته است. حیات شهری در ایران عاری از خصلت مدنی و شهروندی بوده است. آنچه باعث تغییر در نظام مدیریت و برنامه ریزی شهرها شده، فقط تصمیم های یکجانبه ساخت مرکز سیاسی بوده است. در واقع اگر باور داشته باشیم که "شهر در حیات مدنی از سه رکن اصلی شهروند، کالبد شهر و مدیریت شهری تشکیل شده است و شهروند و مدیریت شهری، ماهیتی فاعلی دارند و کالبد شهری ماهیتی انفعالی و بر این اساس، مدیریت شهری مکلف به ساماندهی و مدیریت کالبد شهر است. به نحوی که شرایط حیات مطبوع را برای شهروندان فراهم سازد. در چنین وضعیتی کالبد شهر مملو از درون مایه ی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی میشود. مشارکت فعال مردم در اداره ی امور شهر تقویت میشود و شهر به مکانی چون حوزه ی زندگی خصوصی با عنایت به عرصه عمومی تبدیل می شود.

در مدیریت امرانه، عناصر وارکان شهری مشهود نیز قالب می گردد: پیاده رو مکان و صورتی از عبور و نقل و انتقال دیده می شود، پارک لکه ی سبز با عملکرد فوتوسنتز، تمایز میان ساکن شهر و شهروند ادراک نمی شود

. در شهر مبتنی بر مدیریت متمرکز "شهروندان" کنار زده شده و "ساکنان شهر" جایگزین آنها می شوند. ساکنان در کنار کالبد شهر معنا پیدا می کنند. تعیین کنندگی با کالبد شهر است؛ به عبارت دیگر در این شهر هر کاری که حکومت میکند، فیزیک شهر است و روح و روان شهرنشینی را کالبد شهر صیقل میدهد؛ مثلاً در این شهر برای کاهش ترافیک از تعریض شریانه های اصلی و ... کمک میگیرد و موضوعاتی همچون کاهش تقاضای سفر یا اطلاع رسانی در اولویت و. اقع نمیشود. بنابر

این در شهر مدنی، حاکمیت با شهروندان و نظارت اجتماعی آنها است، در حالی که در شهرهای غیر مدنی حاکمیت با عده ی معدودی از نخبگان است که با پاسبان، نرده، دزدگیر و شبگرد هم نمیتوانند امنیت شهر را برای ساکنان آن فراهم سازند.

- سیاست‌گذاری دولت در نظام برنامه‌ریزی شهری در ایران:

شهرهای ایران چه از لحاظ کالبدی و چه از لحاظ نحوه ی اداره ی شهر از ابتدای پیدایش حیات شهرنشینی تا اواخر دوره سلطنت پهلوی دوم شهرهای حاکمیتی یا شاهی بوده‌اند. رونق یا بی رونقی شهرها نه حکایت از توانایی یا ناتوانی ساکنان، بلکه دلالت بر عظوفت یا بی توجهی شاهان است. در هر مرحله ای بنا به مقرر یا پایگاه اجتماعی سلاطین، که بخش‌هایی از کشور مشمول برنامه های عمران شهری می شدند. شهرهای شاهی از سوی شاهنشاه بنیان می یافتند و وابسته به او بودند. در بیشتر شهرهای شاهی، کاخها و اقامتگاه های شاه و اعضای خانواده ی وی قرار داشتند. مدیران شهر از کلاتر تا محتسب از نمایندگان شاه بوده‌اند و نظم و امنیت برای آنها بیشتر از توسعه و پیشرفت اهمیت داشت.

انقلاب مشروطه نوید بخش تحقق شهروندی از یک سو و اثر بخشی آنها در تصمیم‌گیری‌ها مربوط به اداره امور شهرها از سوی دیگر بود. عدم امدادگی ساختاری جامعه ی ایران برای پذیرش الگوهای دموکراتیک در جهت تحقق خودگرانی و حکومت محلی بود که زمینه های ایجاد نظام تمرکزگرای رضا شاه را فراهم ساخت.

در این دوره تداوم و گسترش قدرت سیاسی و نفوذ آن باعث شد تمام ارمان های ایجاد شده از بین برود. تاسیس ۱۳۶ شهرداری در این دوران هیچگاه به معنای تلاش دولت در تحقق حکومت محلی نبود، بلکه در حقیقت حکایت از گسترش بوروکراسی دولتی در پهنه ی نظام اجتماعی و پیرامونی ایران داشت. بدین ترتیب هیچ یک از مولفه های حکومت محلی مانند "انتخابی بودن، محلی گرایی، منابع درآمدی مستقل، آموزش تخصص و تجربه در نظام مدیریت شهری مخصوصا شهرداری ها وجود نداشت. در دوران نخست وزیری مصدق تا حدودی این قوانین اصلاح شد و میان مرکز و پیرامون روابط تعاملی برقرار شد؛ یعنی انتخاب شهر دار توسط انجمن شهر و تصویب توسط دولت مرکزی بود. کودتای ۲۸ مرداد ساختار مرکزی سیاسی را که مبتنی بر پارلمان به نظام سیاسی "بوروکراتیک اقتدارگرا" تبدیل کرد، نظام سیاسی که اساس را بر سرکوب سیاسی و حضور پر قدرت بوروکراسی گذشته بود. پس از کودتا با دو برنامه حضور دولت مرکزی در مدیریت شهری بود. با گسترش صنعت نفت وضع عوض شد. پول این نفت حاکم را از جامعه و طبقات اجتماعی بی نیاز ساخت. پس حاکم با دید مغرورانه و در نو سازی شدید آن دوران به از بین بردن بافت سنتی دست زد. رابطه ی مرکز و پیرامون در این دوران به رابطه یگزینشی و عواطف ملوکانه ی حاکم بستگی داشت. *اولین نتیجه ی این سیاست، توسعه نیافتگی منطقه ای در ایران طی دوران ۱۳۴۰-۱۳۵۷ بود. دولت مرکزی در همه جا حضور داشت و خبری از اداره ی شهرها بر اساس نیازهای محلی نبود. مرکز گرایی باعث ایجاد مشکلاتی چون ماکروسفال (بزرگ سری کلان شهرها از جمله تهران)، افزایش حاشیه نشینی و سکونتگاه های غیر رسمی، توسعه نیافتگی منطقه ای، بی حسی و بی تفاوتی سیاسی، انگیزه ی مشارکت فعال و... گردید که از بین آنها توسعه نیافتگی منطقه ای مهمترین عامل در عدم تحقق حکومت محلی بود

شواهد و مدارک نشان میدهد در ایران برابند نوسازی ناهمگون و تمرکزگرایی سیاسی در دوره ی پهلوی است. پیدایش و تاسیس دولت مدرن فرایند روابط مرکز-پیرامون را متحول کرد. الگوی جدید چیزی جز ادغام ساختار اقتصادی-اجتماعی ایران در جهان نبود. با توجه به شاخص های اصلی توسعه (آموزش، بهداشت، برق، مسکن و...) مشخص میشود که ساخت مرکز سیاسی نقش تعیین کننده ای در تامین یا عدم تامین زیر ساختها و بنیادهای محلی تقویت کننده ی

حکومت محلی داشته است. نوسازی در دوران پهلوی ماهیت خاصی داشته است. نوسازی در دوران رضا خان آغاز شد. اولین اقدام وی در جهت نوسازی ایجاد ارتش قدرت مند و اسرار بر تمرکزگرایی بود. تمرکز صنایع در دوران انقلاب صنعتی در شهرهای مرکزی از خصوصیات نوسازی در این دوران بود. در نهایت توسعه نیافتگی منطقه ای مانع آمادگی زیر ساخت های محلی برای تحقق حکومت محلی شد. تا زمانی که زیر ساخت های حکومت محلی فراهم نگردد، فرم های صوری مثرثر نخواهد بود.

- سیر قوانین شهری در ایران

اهمیت شهر و نیاز به موسسه‌ای که حافظ منافع شهر و رفع حوائج آن باشد، موجب شد که مجلس شورای ملی در اولین دوره قانون‌گذاری، قانون بلدیہ را به تصویب برساند (مذاکرات مجلس در دوره اولیہ تقنینیہ، ص ۲۸۶).

این قانون شامل ۱۰۸ ماده بود که در تاریخ ۱۲/۳/۱۲۸۶ به تصویب رسید. بند ۷ ماده ۲ این قانون، یکی از وظایف بلدیہ را مواظبت از این می‌دانست که معابر شهر موافق نقشه معینی باشد. این ماده احداث بنا بدون پروانه را تحت شرایطی مشمول مجازات می‌دانست و گام مهمی در حمایت کیفی از شهرسازی محسوب می‌شد. به‌رحال باگذشت زمان نقایص قانون بلدیہ سال ۱۲۸۶ آشکار می‌شد و همین امر موجب جایگزین شدن قوانین دیگر همچون قانون بلدیہ مصوب ۱۳۰۹ {قانون بلدیہ ۱۳۰۹ ه. ش قانون بسیار مختصری بود که هشت ماده داشت (مجموعه قوانین سال ۱۳۰۹، ص ۳۵ و ۳۶).

در سال ۱۳۰۴ قانون مجازات عمومی تصویب شد و ماده ۲۷۶ این قانون به نحوه تهیه و تصویب آئین‌نامه امور خلافی اختصاص داشت.

به‌موازات تحولات قوانین شهرداری، قوانین مرتبطی همچون قانون توسعه معابر در سال ۱۳۱۲ به تصویب رسید که به دلیل وجود پاره‌ای نقایص در سال ۱۳۲۰ مورد اصلاح قرار گرفت

در سال ۱۳۲۴ آئین‌نامه امور خلافی به تصویب وزیر عدلیه رسید و ماده سوم آن در خصوص موضوع مورد بحث بیان داشت که کسانی که بدون پروانه شهرداری و نقشه تصویب شده اقدام به ساختمانی نمایند که مشرف به معابر عمومی و خیابان باشد، به هفت تا ده روز حبس تکدیری محکوم می‌گردند.

قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهرها مصوب ۱۳۲۸ قانون شهرداری سال ۱۳۲۸ دارای پنجاه ماده بود. ماده ۴۶ این قانون وزارت کشور را مرجع راهنمایی شهرداری‌ها در نقشه‌های ساختمانی و آئین‌نامه‌های مربوط می‌دانست (مجموعه قوانین سال ۱۳۲۸، ص ۱۰۸) و لایحه قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۱ {لایحه قانونی شهرداری سال ۱۳۳۱ دارای نود ماده و چهارده تبصره بود. در این قانون اگرچه صریحاً به حق صدور پروانه ساختمانی توسط شهرداری اشاره نشده بود، ولی بند ۲ ماده ۵۱ این قانون، انجمن شهر را مرجع تصویب برنامه‌های ساختمانی شهرداری می‌دانست (مجموعه قوانین سال ۱۳۳۱، ص ۹۲) و قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ گردید. بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون اخیر صریحاً اعلام نمود یکی از وظایف شهرداری، صدور پروانه ساختمان است. ولی هنوز متن قانونی مشخصی برای پیشگیری از تخلفات ساختمانی وجود نداشت، در سال ۱۳۴۵ این نقیصه برطرف شد و گام بلندی برای شناسایی طرح‌های شهری، مرجع و نحوه رسیدگی به تخلفات ساختمانی برداشته شد. قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری مشتمل بر سی‌وسه جزء بود که تاریخ ۱۳۴۵ به تصویب رسید.

این قانون عدد مواد قانون شهرداری را به ۱۱۳ ماده افزایش داد و ماده ۹۷ این قانون شورای عالی شهرسازی را مورد شناسایی قرارداد (قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در تاریخ ۱۳۵۱ به تصویب رسید).

اما در زمینه شهرسازی می‌توان قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی مصوب ۱۳۵۱ را مهم‌ترین قانون کشور ایران در زمینه قوانین شهرسازی دانست و در همین رابطه قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن مصوب ۱۳۵۲ نیز گام دیگری در اصلاح قوانین شهرسازی ایران محسوب می‌شود.

رعایت اصول معماری شهرسازی و ایجاد امکانات و تسهیلات برای بالا بردن سطح و کیفیت کار اشخاصی که امر تهیه و نظارت و اجرای طرح‌های ساختمانی و شهرسازی را بر عهده داشتند موجب شد در تاریخ ۱۳۵۲/۳/۱ قانون نظام معماری و مهندسی در ۱۵ ماده و ۹ تبصره به تصویب برسد. در تاریخ ۱۳۵۶/۶/۶ موادی از این قانون اصلاح شد.

در دهه پنجاه مهاجرت سیل‌آسا به تهران و شیوع ساخت‌وسازهای غیرمجاز به اوج خود رسید و این امر موجب تصویب قانون نظارت بر گسترش شهر تهران در تاریخ ۱۳۵۲/۵/۱۷ گردید. این قانون به مأمورین شهرداری اجازه می‌داد نسبت به جلوگیری و تخریب ساختمان‌های غیرمجاز خارج از محدوده خدماتی شهر تهران اقدام نمایند.

در همین تاریخ تبصره ۱ ماده ۱۰۰ اصلاح شد و متعاقب آن در تاریخ ۱۳۵۶/۶/۸ شش تبصره به ماده صد قانون شهرداری الحاق شد (کمیسیون ماده صد شهرداری برای اولین بار در راستای اجرای تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۴۵/۱۱/۲۷ تشکیل گردید. به موجب این قانون فرماندار یا بخشدار، نماینده دادگستری و نماینده انجمن شهر اعضا کمیسیون را تشکیل می‌دادند و وظیفه آن رسیدگی به تخلفات ساختمانی در داخل محدوده شهر می‌باشد).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شورای انقلاب تبصره‌های ماده صد را اصلاح و سه تبصره جدید به آن الحاق نمود. البته مهم‌ترین مسئله‌ای که در خصوص کمیسیون ماده ۱۰۰ مطرح شد، مسئله مشروعیت کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ بود. شورای نگهبان به این عنوان که آراء کمیسیون ماده ۱۰۰ مبتنی بر حکم حاکم شرع نیست، آن را خلاف شرع اعلام نمود.

متعاقب این امر دادگاه‌های کیفری به استناد ماده ۲۱۷ قانون اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱ کار رسیدگی به تخلفات ساختمانی را آغاز نمودند.

در اوایل سال ۱۳۶۷ کمیسیون تعزیرات حکومتی با استفاده از اجازه کلی حضرت امام خمینی (ره) و آئین‌نامه مصوب نخست‌وزیر در شهرداری‌ها تشکیل شد و عهده‌دار رسیدگی به تخلفات ساختمانی شد. پس از مدت‌زمان کوتاهی این کمیسیون‌ها نیز تعطیل شد و پرونده‌های تخلفات ساختمانی بلا تکلیف باقی ماند.

مکاتبه قائم‌مقام وزیر کشور و سرپرست شهرداری تهران با مقام معظم رهبری و تنفیذ مع الواسطه ایشان موجب شروع کار مجدد کمیسیون ماده صد شد (مجموعه نظرات شورای نگهبان، حسین مهرپور، جلد ۳، ص ۲۴۵) و در تاریخ ۱۳۷۱/۳/۲۶ به منظور تنسیق امور مربوط به حرفه‌های مهندسی معماری، ساختمان و شهرسازی، تأسیسات و سایر رشته‌های مرتبط قانون نظام‌مهندسی ساختمان به تصویب رسید و مقرر شد برای مدت ۲ سال به صورت آزمایشی اجرا شود) ماده ۱۵ قانون نظام‌مهندسی ساختمان تحت شرایطی شهرداری‌ها را مکلف می‌کرد برای صدور پروانه فقط نقشه‌هایی را بپذیرند که از طرف اشخاص دارای پروانه اشتغال تهیه و امضاشده باشد (ضمیمه روزنامه رسمی، سال ۲۴، شماره ۵۹۲، ص ۱۵۷).

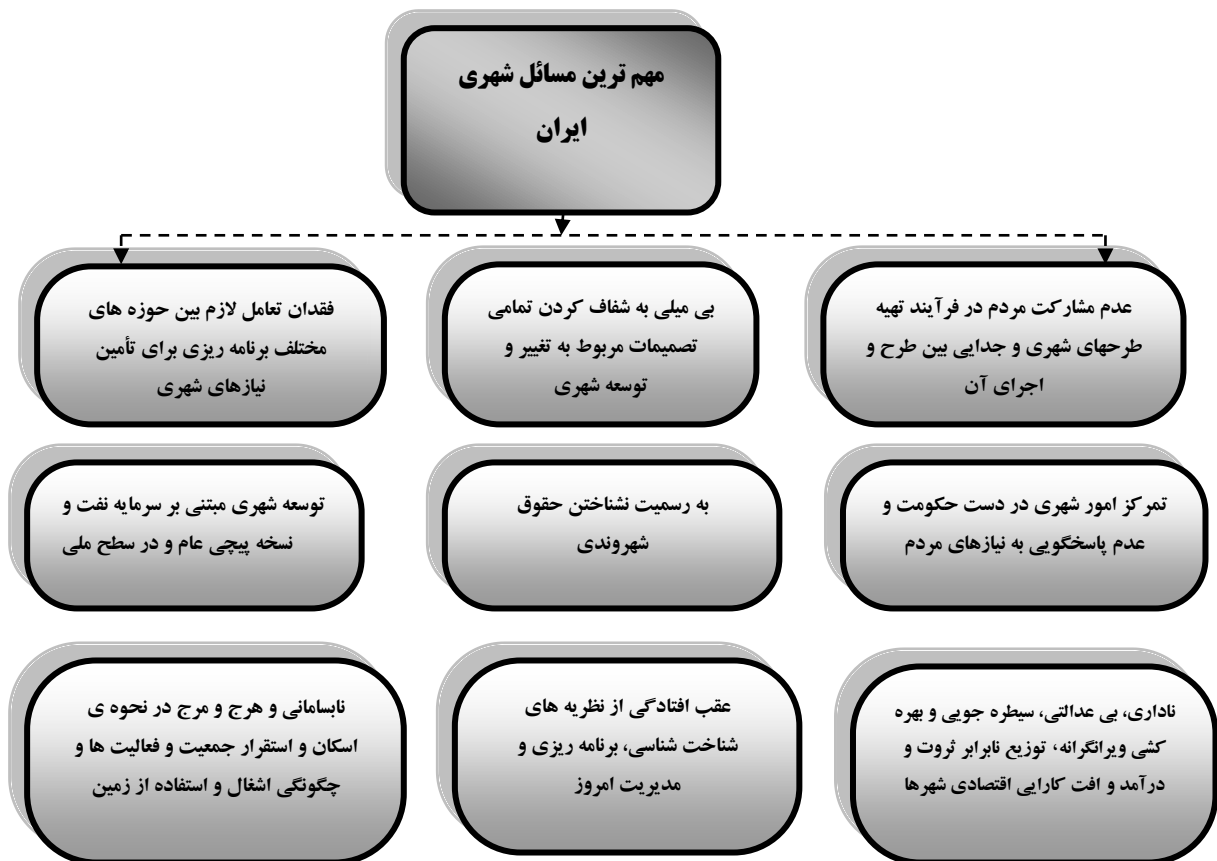
گسترش بی‌رویه تهران و شهرهای اطراف آن موجب شد که در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ قانون الحاق یک‌بند و ۳ تبصره به عنوان بند ۳ به ماده ۹۹ قانون شهرداری‌ها به تصویب برسد، از خصائص این قانون که فعلاً نیز قدرت اجرایی دارد آن است که به شهرداری‌های استان تهران اجازه می‌دهد برای حفاظت از حریم مصوب شهرها نسبت به جلوگیری و تخریب ساختمان‌های بدون پروانه اقدام نمایند. پس از این در تاریخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۲ قانون نظام‌مهندسی و کنترل ساختمان، به تصویب شورای اسلامی

رسید. ماده ۳۲ این قانون عدم رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی در شهرهای حوزه مشمول مقررات ملی ساختمان را تخلف و ماده ۴۰ همان قانون این عمل را جرم و مرتکب را مشمول مجازات جزایی نقدی از یک صد هزار تا ده میلیون ریال می‌داند. بنابراین در حال حاضر قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی مورد عمل شهرداری‌ها و مراجع قانونی می‌باشد و به جرأت می‌توان گفت: این قانون از جمله قوانینی است که بیشترین ناسخ و منسوخ و عام و خاص را در خود جای داده است. این قانون جوابگوی نیازهای امروز جامعه شهری نیست و نیازمند تحول و بازنگری است.

گذری اجمالی بر مهم ترین مسائل و مشکلات شهری ایران

با بروز تحولات جدید، فضاهاى شهری در کشور به سرعت دچار دگرگونی گردیده‌اند این دگرگونی ها به شکل افزایش سریع جمعیت و گسترش فیزیکی و شتاب آمیز شهرها و به صورت نامتعادل و ناهماهنگ بوده است. اگر چه شهرها دارای گسترش فیزیکی وسیعی بوده‌اند اما در قالب این گسترش فیزیکی وسیع نیز تعادل برقرار نبوده است. <http://www.civilmaster.ir>.

با توجه به مسائل و مشکلات ذکر شده جامعه شهری کشور از برخی از صاحب نظران این موضوع مهم ترین مشکلات ارائه شده در قالب نمودار زیر خلاصه گردیده است (صرافی و همکاران، ۱۳۹۲)



شکل ۱: مهم ترین مشکلات شهری ایران

نتیجه گیری

آنچه واضح و مبرهن است در همه ادوار تاریخی چه در سطح ملی و چه بین المللی تمامی تصمیمات مدیریتی و سیاسی بر نظام شهری اثرگذار بوده اند و تاثیر خود را چه در شکل فضاها، چه در ساخت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهرها نشان داده اند، گذر شهرها از از کلاسیک به مدرنیته و پسا مدرن حاصل تغییر تفکرات مدیریتی و... بوده است. با نگاهی گذرا به شکل شهرها می توان به این موضوع پی برد.

منابع

۱. احمدیان، رضا (۱۳۸۳)، تأثیر دگرگونیهای اقتصادی - اجتماعی ایران در شکل گیری نظام برنامه ریزی شهری ایران (از عصر مشروطیت تا برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران)، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۰۹ و ۲۱۰
۲. ایزدفر، الهام، ایزدفر، نجمه و صادق صیدیگی (۱۳۹۸)، تغییر ساختار حکومتی در ایران و تاثیر آن در سیمای شهری اصفهان در دوره قاجار و پهلوی، سومین کنفرانس بین المللی هنر، معماری و کاربردها، <https://civilica.com/doc/968841>
۳. رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۸)، دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران)، جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای-پیش شماره پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۴۳-۱۶۵
۴. شالی، محمد (۱۳۹۰)، ضرورت دگرگونی نظریه برنامه ریزی توسعه ایران، یازدهمین کنگره جغرافیدانان ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/336531>
۵. صراف، مظفر و بیرانوندزاده، مریم و حیدری مقدم، مصطفی (۱۳۹۲)، رویکرد نظری بر علل توسعه نیافتگی ایران با تأکید بر عدم توسعه شهری، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، تهران، <https://civilica.com/doc/266898>
۶. طالب، مهدی و موسی عنبری (۱۳۸۵)، دلایل ناکامی نظام برنامه ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم، نشریه مطالعات جامعه شناختی، شماره ۲۷